

در خواست اعلان قرمز

برای شیخ الاسلامی، سعادت‌ی وزم

رئیس پلیس بین‌الملل از حفظ اعلان قرمز برای محمود رضا خاوری، مجرم فراری پرونده اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی، در خواست اعلان قرمز برای مرجان شیخ‌الاسلامی، مجید سعادت‌ی و روح زم، متهمان فراری پرونده‌های پتروشیمی، بانک ملت و ادمنین کانال تلگرامی آمدنیوز خبر داد.

سردار هادی شیرزاد روز گذشته در

نشست خبری در توضیح استرداد «محمودرضا خاوری»، مدیرعامل سابق بانک ملی و متهم پرونده اختلاس ۳هزار میلیارد تومانی که به کانادا گریخته‌است، گفت: مهمترین کاری که در خصوص خاوری انجام شد، حفظ اعلان قرمز برای وی بوده است. از نظر ما و اعضای اینترپل خاوری مجرم است و ما پیگیری این موضوع هستیم.

وی همچنین از در خواست صدور اعلان قرمز برای «مرجان شیخ‌الاسلامی» و «مجید سعادت‌ی» معرف به مجید دلیندم، متهمان فراری پرونده‌های پتروشیمی و بانک ملت، خبر داد و گفت: برای سردار صدرا هم اعلان قرمز صادر شده‌است و در حال انجام عملیات برای استرداد وی هستیم.

سردار شیرزاد در خصوص «روح‌الله زم» ادمنین کانال «آمدنیوز» هم توضیح داد که فعالیت پلیس اینترپل در فضای مجازی در حال انجام است و اقدام‌های ادمنین‌های کانال‌های معاند بر خلاف مقررات است و در حال بررسی مراحل قضایی و انتظامی هستیم تا برای وی اعلان قرمز صادر شود.

سردار شیرزاد در خصوص دانشمند ایرانی بازداشت شده در امریکا اظهار داشت: تاکنون از سوی مراجع قضایی و امنیتی کشور در خواستی برای انجام اقدامات لازم برای آزادی وی صورت نگرفته‌است و به محض دریافت مجوز فعالیت خود را آغاز خواهیم کرد.

وی همچنین از صدور اعلان قرمز برای سرکردگان گروهک منافقین خبر داد و گفت: استرداد این افراد در دستور اولیه پلیس ایران است؛ چراکه اقدام به فعالیت تروریستی و تشویق فعالیت‌های خرابکارانه می‌کنند.

وی درباره حذف اعلام قرمز هم گفت: اعلان قرمز به دو روش می‌تواند حذف شود، اولین روش این است که فرد متهم یا مجرم وکیل بگیرد و ثابت کند که متهم نیست که اگر توضیحات وی قانع کننده‌باشد اعلان قرمز حذف خواهد شد. در روش دیگر هم متهم با مصالحه با شکات اقدام به حذف اعلان قرمز می‌کند.

تصادف، سارقان را گرفتار کرد

دو مجرم سابقه‌دار هنگام فرار از دست پلیس تصادف کردند و گرفتار شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ رضا حیدری، رئیس کلانتری ۱۱۰ شهدا در توضیح حادثه گفت: چند روز قبل مأموران کلانتری ۱۱۰ شهدا هنگام گشت زنی در میدان شکوفه به رفتار دو موتور سوار مظنون شدند و آنها را تحت نظر گرفتند. لحظاتی بعد دو موتورسواران گوشی تلفن همراه مردی رهگذر را اسرقت کرده و از محل گریختند مأموران وارد عمل شدند و تلاش برای بازداشت آنها را شروع کردند. بعد از آن بود که عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد و سارقان با سرعت زیاد و بدون توجه به فرمان پلیس به فرارشان ادامه دادند تا اینکه با یک خودروی عبوری تصادف کرده و نقش بر زمین شدند. این پایان ماجرای فرار سارقان نبود بلکه آنها این بار با پای پیاده از محل گریختند. مأموران پلیس آنها را دنبال کردند و لحظاتی بعد موفق شدند هر دو نفر را بازداشت کنند. مأموران در بازرسی بدنی از متهمان چند گوشی سرقتی کشف کردند.

بررسی سابق دو متهم ۲۸ و ۳۲ساله نشان داد که آنها قبلاً به اتهام سرقت بازداشت شده و به زندان افتاده بودند. دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت گوشی تلفن همراه اعتراف کردند و گفتند روزانه به صورت میانگین ۱۵گوشی را در همان محدوده سرقت می‌کردند و آن را به مالخری در خیابان مولوی می‌فروختند. سرهنگ حیدری گفت: دو متهم بعد از انجام تحقیقات اولیه به مقام قضایی تحویل داده‌شدند.

متهم: در بیمارستان می خوابیدم

واز همراهان بیماران دزدی می‌کردم

دزد فریبکار که شب‌ها در بیمارستان‌های شمال شهر می خوابید و در ساعت‌های ملاقات اموال همراه بیماران را سرقت می‌کرد، سرانجام به دام پلیس افتاد.

به گزارش جوان، این پرونده از چندین قبل و همزمان با طرح شکایت‌های مشابه درباره سرقت اموال همراه بیماران در چندبیمارستان شمال تهران به جریان سابق راه به دست پلیس مشخص شد که یک نفر در ساعت ملاقات خود راه اتاق بیماران رسانده و در فرصت مناسب اموال همراهان بیماران را سرقت می‌کند. در حالی که هر روز بر تعداد شکایت‌ها اضافه می‌شد، مأموران پلیس با بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند چهره سارق راه به دست آورده و او را شناسایی و سرانجام بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: مدتی قبل از شهرستان به تهران آمدم تا برای خودم کار پیدا کنم. از آنجا که جایی برای خواب نداشتن شب‌ها را در بخش استراحت همراهان بیماران در یکی از بیمارستان‌ها می‌خوابیدم. در همان شب‌ها بود که گوشی تلفن همراه یکی از همراهان بیماران را سرقت کردم. بعد از آن بود که تصمیم به سرقت گرفتم، بنابراین در ساعت‌های ملاقات اموال همراهان بیماران را سرقت می‌کردم و به فروش می‌رساندم تا اینکه بازداشت شدم. سرهنگ رضا جنتی، فرمانده یگان انتظامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور گفت: متهم به ۲۰ فقره سرقت اعتراف کرده و تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر او در جریان است.

خودروی سواری در حال حمل آتش گرفت

یک دستگاه خودروی سواری در حلال انتقال یا کامیونت باری در بزرگراه آزادگان به یکباره آتش گرفت. این حادثه عصر روز گذشته در مسیر شمال به جنوب این محور اتفاق افتاد و لحظاتی بعد از آن بود که راننده کامیون آتش‌نشانان را با ماجرا با خبر کرد. فریدون عبداللهی، فرمانده آتش‌نشانان ایستگاه ۸۵ گفت: هنگامی که به محل حادثه رسیدیم مشاهده شد که از قسمت صندوق عقب یک دستگاه خودروی سواری شعله آتش زبانه می‌کشد و آتش در حال سرایت به تمام قسمت‌های این خودرو بود. آتش‌نشانان رعایت نکات ایمنی و کوشیدن چندین رشته لوله آب و کف ضمن قطع برق خودرو مشغول خاموش کردن شعله‌های آتش شدند و از سرایت بیشتر آن به دیگر قسمت‌های خودرو جلوگیری کردند و پس از مهار کامل آتش و ایمن‌سازی آن به عملیات خود پایان دادند. علت حادثه در دست بررسی است.

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

کلاهبرداری دوباره مهناز از اعضای صندوق قرض الحسنه

در آنجا زندگی می‌کند هم ندارم. بررسی‌ها در این باره ادامه داشت تا اینکه مأموران پلیس موفق شدند مخفیگاه مهناز را در محله نیواران شناسایی و سرانجام او را بازداشت کنند.

مهناز وقتی مورد تحقیق قرار گرفت به کلاهبرداری اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: از چهار سال قبل در یک کارگاه تولیدی مشغول کار شدم. از مدتی قبل تصمیم گرفتم تا یک صندوق قرض الحسنه راه‌اندازی کنم. بعد موضوع را با همکاران مطرح کردم که همگی قبول کردند که برای خودشان یا بستگانش در صندوق سرمایه‌گذاری کنند. مطابق توافق قرار شد که هر کس پنج‌هات پس از سرمایه‌گذاری دو برابر سیردهاش را وام بگیرد که مورد قبول اعضا قرار گرفت. متهم ادامه داد: من قصد کلاهبرداری نداشتم، اما بعضی از اعضا بعد از برنده شدن دیگر اقساطشان را پرداخت نمی‌کردند. بدقولی آنها سبب شده بود تا دیگر اعضا من را تحت فشار بگذارند، آنجا بود که تصمیم گرفتم باقی مانده پول را که ۳۰۰ میلیون تومان بود برای خودم بردارم. متهم گفت: بعد از برداشت پول از صندوق در خانه یکی از دوستانم پنهان شدم تا آنها از آسیاب بیفتند. با شوهرم هم تبانی کردم که ادعا کند از هم طلاق گرفته‌ایم تا دیگر کسی مزاحم او هم نشود اما سرانجام گرفتار شدم.

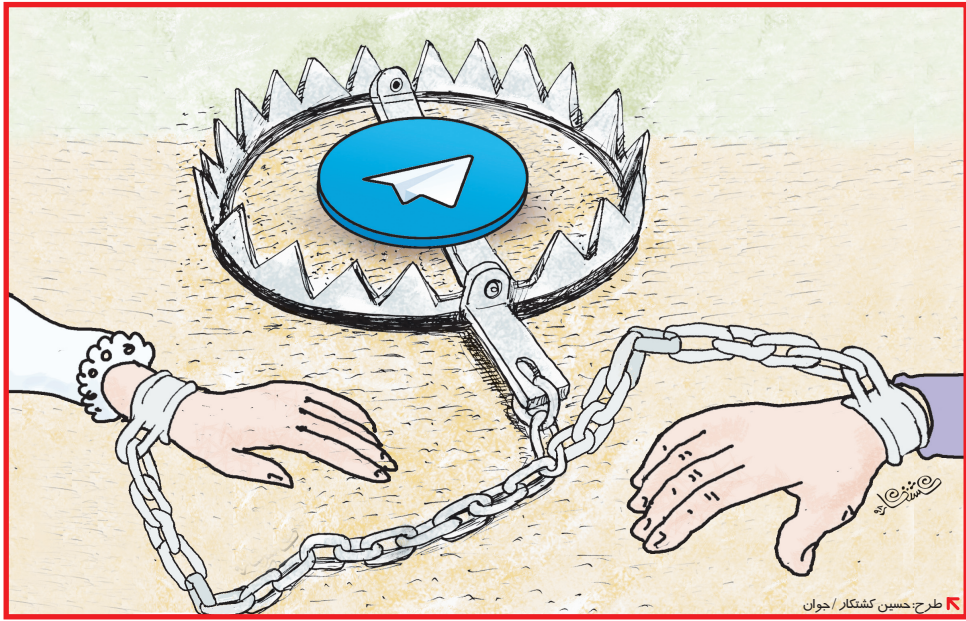
رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی گفت: متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرده و تحقیقات پرونده در این باره کامل شده‌است. وی گفت: مهناز با تعیین قرار قانونی به دستور قضایی روانه زندان شد.



فرار کرده بود. در شاخه دیگری از تحقیقات کار آگاهان پلیس موفق شدند شوهر مهناز را شناسایی و از او بازجویی کنند. مرد جوان گفت: من و مهناز مدتی قبل بود که از هم طلاق گرفتیم. وی ادامه داد: من از ماجرا کلاهبرداری خبر ندارم و آدرس تازه‌ای را که مهناز

گرفتار شدن دختر و پسر فراری

در کمپ آوارگان ترکیه



ر. طرح: حسین کشنکار / جوان

قرار است با هم از دواج کنند. من به او هشدار دادم که اول با خانواده دختر ایرانی موضوع را در میان بگذار د و اگر آنها با ازدواجشان موافقت کردند از تباطوشان ار ادامه بدهند اما برادران گوشش بدهکار حرف‌های من نبود تا اینکه چند روز قبل همراه آرام به خانه من آمدند. آرام گفت که خطر از خانه فرار کرد‌است تا ما براد از دواج کند. خانوادهاش مخالف از دواج هستند و به همین خاطر از خانه فرار کرد و بعد هم تصمیم گرفتم تازه‌ای را شروع کنم. آرام در ادامه گفت: الان هم دوست ندارم به ایران برگردم چون خانواده‌ام تصمیم من مخالف هستند و می‌خواهم پیش مراد بمانم.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه بازپرس جنایی به مأموران پلیس اینترپل دستور داد تا با شناسایی محل نگهداری آرام، وی را به ایران بازگردانند. از سوی دیگر یکی از بستگان ایران فرار از کمپ آرام‌گان در نزدیکی کشور یونان هستند.

پس از فرار با پسر افغان از دواج کردم

پس از این مأموران از طریق برادر مراد با آرام

بخوانی و وقتی بزرگ شدی از دواج کنی. آرام خیلی ناراحت بود و می‌گفت به هر طریقی شده با مراد از دواج می‌کنم. من خیلی تلاش کردم او را متصرف کنم اما قایده‌ای نداشست و او تصمیم خودش را گرفته بود تا اینکه چند روز قبل با من تماس گرفت و گفت از خانه‌اش فرار کرده و قرار است دو نفری پیش برادر بزرگ مراد بروند تا مقدمات از دواج آنها را فراهم کند.

با اطلاعاتی که دوست آرام در اختیار پلیس قرار داد، کارآگاهان پس از شناسایی محل زندگی برادر مراد در ریاط کریم راهی آنجا شدند که در رفتند مراد و آرام چند روز قبل به صورت غیرقانونی از طریق قاچاق برها به ترکیه گریختند.

زندگی در کمپ پس از فرار از ایران

برادر مراد به مأموران گفت: چند سال قبل مراد برای کار از افغانستان به ایران آمد تا اینکه مدتی قبل متوجه شدم با دختر ایرانی دوست شده و

پرستار بی احتیاط انگشت نوزاد را قطع کرد

بی‌احتیاطی پرستار بیمارستان فوق تخصصی نور شهریار سبب قطع انگشت نوزاد شد.

نادر توکلی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی در این باره به ایرنا گفت: قطع انگشت کوچک دست نوزاد در بیمارستان شهریار قصور پرستار بوده در محاکم نظام پزشکی و پرستاری بررسی و با آن برخورد می‌شود. وی در توضیح حادثه هم گفت: حادثه هنگام باز کردن آتل از دست نوزاد و فیچی کردن آتل اتفاق افتاده که در جریان آن انگشت کوچک نوزاد قطع شده است.

پدر نوزاد: هیچ کس جوابگو نیست

پدر نوزاد هم در توضیح حادثه به ایلنا گفته است انگشت فرزندش در بیمارستان فوق تخصصی نور شهریار به خاطر بروز خطا در مراقبت‌های پرستاری بعد از زایمان قطع شده است. پدر نوزاد می‌گوید: روز چهارم مهرماه فرزندم از اتاق زایمان به بخش منتقل شد و روز پنجم مهر ماه انگشت کوچک دخترم توسط یکی از پرستاران و به دلیل سهل انگاری در اتاق «ان. سی. یو» قطع شده است.

وی افزود: ما ۱۲ ساعت پس از قطع انگشت فرزندم متوجه این حادثه شدیم، اما متأسفانه بیمارستان جراحی نداشت، که بتواند مشکل را حل کند، این اتفاق ساعت یک بعد از ظهر افتاد، اما جراح ساعت بعد از ظهر آمد و به بنده اعلام کرد، احتمال درست شدن انگشت فرزندم ۵۰ درصد است. به گفته جراح باید ۷ روز صبر کنیم و پس از ۷ روز اگر انگشت خشک شد و افتاد که مشخص می‌شود، عمل موفقیت آمیز نبوده است و اگر نیفتد عمل موفقیت آمیز بوده است. در حال حاضر نه کسی به ما پاسخگو است و نه اجازه ملاقات فرزندم را به بنده می‌دهند.

کیانوش جهانپور، مسئول روابط عمومی وزارت بهداشت هم گفته است که از این موضوع خبر دارد، اما فعلاً از جزئیات مسئله بی‌اطلاع است.



پسر معتادی که برای نرفتن به کمپ ترک اعتیاد، آدم‌ربایی ساختگی را طراحی و اجرا کرد، دیوید در تحقیقات پلیسی دستش رو شد.

به گزارش جوان، چند روز قبل مردی به اداره پلیس رفت و مدعی شد پسر ۲۵ساله‌اش به نام ارسلان از سوی افراد ناشناسی ربوده شده‌است.

وی گفت: پسرم امروز برای انجام کاری با خودرواش از خانه بیرون رفت و قرار بود ظهر برای ناهار به خانه برگردد. وقتی دیر کرد نگران شدم و با تلفن همراهش تماس گرفتم، اما او جواب نداد تا اینکه ساعتی قبل از تلفن همراه پسرم به تلفن من فرستاده شده‌بود که در آن پیامک فرد غریبه‌ای نوشته بود پسرم را با همدستی فرد دیگری ربوده‌است. فرد غریبه در ادامه نوشته بود پس از اینکه با او تسویه حساب شخصی کردم، آزادش می‌کنند. با این شکایت پرونده به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در نخستین گام شماره پلاک خودروی پسر ربوده شده را در اختیار گشتی قرار دادند، اما مأموران گشت هیچ ردی از خودروی ارسلان پیدا نکردن. در ادامه مأموران پیامک‌های ارسانی از گوشی ارسلان را بررسی کردند، اما به نتیجه‌ای نرسیدند. در حالی که فرضیه آدم‌ربایی ساختگی برای مأموران قوت گرفته‌بود، شاکي به اداره پلیس رفت و مدعی شد که پسرش به خانه برگشته و شکایتش را پس می‌گیرد. پس از این مأموران ارسلان را برای روشن شدن حادثه به اداره پلیس احضار کردند.

ارسلان ابتدا مدعی شد که مورد آدم‌ربایی قرار گرفته‌است، اما در تحقیقات بعدی راز آدم‌ربایی ساختگی را بر ملا کرد. وی گفت: چند سال قبل از طریق دوستان ناباب به مواد مخدر معناد شدم. وقتی خانواده‌ام فهمیدند اعتیادی دارم خیلی تلاش کردند، من ترک کنم و به زندگی عادی برگردم. تلاش‌های خانواده‌ام فایده‌ای نداشت و هر زمانی که ترک می‌کردم بعد از گذشت مدت کوتاهی از طریق دوستانم دوباره آلوده به مواد مخدر می‌شدم. در نهایت چند روز قبل فهمیدم که پدرم دوباره با کمپ ترک اعتیادی هماهنگ کرده‌است تا مرا برای ترک به آنجا منتقل کند. از آنجایی که خاطره و تجربه بدی از کمپ دارم تصمیم گرفتم با طراحی نقشه آدم‌ربایی ساختگی خانواده‌ام را فریب دهم. به همین خاطر آن روز مقدار زیادی پول از گاو صندوق پدرم برداشتم و از خانه خارج شدم و ساعتی بعد به عنوان فرد ناشناسی از تلفن همراه خودم به تلفن همراه پدرم پیامک دادم که «ارسلان را ربوده‌ایم». پس از این تلفن همراهم را خاموش کردم و به خانه یکی از دوستانم در اطراف تهران رفتم. چند روزی با پول‌های پدرم خوشگذرانی کردم و وقتی پول‌هایم تمام شد به خانه برگشتم و به دروغ به پدرم گفتم آدم‌ربایان مرا آزاد کردند.

پس از مشخص شدن واقعیت این حادثه پرونده آدم‌ربایی ساختگی به دستور بازپرس جنایی بسته شد.

غرق شدن ۲ برادر

در آب‌های انزلی

دو برادر نوجوان هنگام شنا در آب‌های انزلی غرق شدند. به گزارش جوان، سرهنگ مجید حسینی، فرمانده انتظامی بندرانزلی گفت: این حادثه روز گذشته در ساحل غازیان شهرستان بندرانزلی اتفاق افتاد و بررسی‌های پلیس در این باره نشان داد که دو برادر ۱۶ و ۱۸ساله به علت عدم شناسایی بافن شنا غرق شده‌اند که اجسادشان به پزشکی قانونی منتقل شد.

ایستاد و گفت: «پسر مهندس ای تی او از نخبه‌های

دانشگاهی بود که این مرد او را برای رحمانه کشت. برای او تقاضای قصاص دارم.» در ادامه مادر مقتول نیز

آمده بود. باور حرف‌های همسرم سخت بود این شد

که او با شماره ۸۰ پسر تماس گرفت و قرار شد

همدیگر را ببینیم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «فایقی بعد رامین به خانه ما آمد و حرف‌های همسرم را تأیید کرد، اما دلم

را نمی‌توانستم تحمل کنم. به او گفتم می‌خواهم با پلیس تماس بگیرم

و تو را تحویل مأموران بدهم. مقتول با شنیدن این حرف دستپاچه شد و می‌خواست فرار کند که چاقویی

که کنار حیاط بود، برداشتم و به سوی او پرتاب کردم.

او در حال فرار بود که چاقو از پشت به سینه‌اش برخورد کرد و روی زمین افتاد. همان لحظه مادر و خواهرش آمدند و متوجه ماجرا شدند و به طرف من

حمله کردند. خواهرش با دست روی من‌تین می‌کوبید

و مادرش فریاد می‌زد. آنجا بود که خودم مقتول را به بیمارستان رساندم اما بی‌فایده بود.»

برونده با اظهارات متهم کامل و به شیعه هشتم دادگاه کبفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه رسیدگی به برنده، پدر مقتول در جایگاه